

تیترو روز

دستور جدید رئیس جمهور به همه دستگاه ها:
حتی تقاضای گرانی هم ندهید

رئیس جمهور: نشنوم یک نفر حتی کلمه گرونی رو به زبون بیاره، هیس!

سخنگوی دولت: برخی اگر زمان اجرای سهمیه بندی را می دانستند پمپ بنزین را به خانه می بردند

برخی: اتفاقا می خواستیم ببریم ولی شیلنگش گیر کرده بود!

وزیر ارتباطات: پیگیر برقراری اینترنت هستیم، نگرانی مردم را می دانم / ایسنا

مردم: تورو خدا زحمت نکشین نگرانی برای توئیت کردن هاتون خوب نیست!

آمادگی وزارت کشور برای افزایش سهمیه بنزین خودروها

یک مسافر کش: قبول نیست دیگه دیر گفتین، ما کرایه مون رو گرون کردیم!

سخنگوی دولت: اداره کشور با صادرات و مالیات که از سایر منابع به دست می آید، یکی از هنرمندی های بزرگ دولت است

دارکوب: میشه بگین مگه دیگه چهره هایی باقی می مونه، دوستان هنر مند!؟

سفیر فرانسه: علاقه مند به گسترش همکاری رسانه ای با ایران هستیم

مدیر ایرانی: فعلا به یوزار سیف، به مختار و به جومونگ فرانسوی برامون بسازین تا ببینیم چی میشه!

دی روزنامه

مافیابازی در دنیای این روزهای ما!

علیرضا کاردار طنزپرداز

مدتی است بازی «مافیا» به دلیل پخش مسابقه اش از تلویزیون دوباره رونق گرفته و عده بیشتری با این بازی جذاب و اعتیادآور آشنا شده اند. این روزها کمتر محفلی است که وقتی چند نفر پیر و جوان دور هم جمع شوند، به جای این که پشت سر بقیه حرف بزنند یا سرشان توی گوشی باشد یا اخبار روز را تحلیل کنند، این بازی را انجام ندهند. تصمیم گرفتیم این بازی را ساده توضیح بدهیم تا در این شب های بلند از لذتش را ببرید.

به طور خلاصه «مافیا» دو گروه بازیکن دارد که باید یکدیگر را از دور خارج کنند، تقریباً شبیه رفتار خریدار و فروشنده یا مستاجر و صاحبخانه! ناظر این رقابت هم در نقش گرداننده بازی است، مانند بنگاه دار، البته از نوع با انصافش! شهروندان در این بازی باید سعی کنند یکدیگر را بشناسند و با همکاری همدیگر، اعضای مافیا را حذف کنند. مثل مشتری هایی که به هم خبر می دهند فلان مغازه گران فروش است و آن یکی، فروشنده با انصافی دارد! در این میان اعضای مافیا شبانه سعی می کنند شهروندان را یکی یکی بزنند، مثلاً آن هایی را که خبر می دهند فلان صاحبخانه آپارتمانش را به قیمت شش ماه پیش برای اجاره گذاشته، سر به نیست می کنند!

این وسط دو نقش دیگر هم داریم، یکی کارآگاه که از گرداننده بازی اعضای مافیا را اعلام می کند، دقیقاً نقشی مثل پیرمرد یا پیرزنی که از روی بیکاری صبح از خانه بیرون می آید و آمار محل را می گیرد و به بقیه شهروندان اعلام می کند فلان فروشگاه روغن ارزان آورده و شهروندان، یا فلاانی که زیرزمینی اش را برای اجاره گذاشته، قصد دارد با اجاره سرسام آور هر ماهش یک سکه بخرد تا پسرش مهریه عروSSH را بدهد و مافیاست! یک نقش پزشک هم داریم که اگر مافیا شهروندی را بزند، او را نجات می دهد. مثل مسئولان که هر روز اعلام می کنند «مسکن نباید گران بشود، کرایه تغییر نمی کند، قیر ارزان شده» و... و ما شهروندان را شادی می کنند!

سایکو کلما تور

پول ممکن است شادی بیاورد اما شادی را با پول نمی توان خرید



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

مسئولیت شناسایی قشرهای کم درآمد و متوسط حدود ۱۸ میلیون خانوار بر عهده این وزارتخانه است



سوزه روز

نمک ریختن بی جاممنوع!

اولی: خبر دارم براتون، خبر ممنوعه!
دومی: وای! من عاشق اخبار ممنوعه ام، به خصوص اونایی که در باره...
اولی: آئی آئی! صبر کن، چون خودت چیزی نگو که در دسر درست کنی برامون. بذار حرفم رو کامل بنزم و بعد نمک بریز.
دومی: من که چیزی نگفتم، منظورم اخباری بود که در باره...
سومی: اولی جان، زود خبرت رو بگو تا ما را از تون خور دن نذاخته!
اولی: پلیس امنیت تهران بزرگ گفته ۴۷ هزار جلد کتاب ممنوعه رو توقیف کرده.
دومی: دقیقاً منم می خواستم بگم کاش منظور ت...
سومی: کتاب ممنوعه چیه باز؟ مگه هنوز هم از این جور کتاب ها داریم؟

توئیت روز

دندان عقل مسافران تایتانیک!

● تونزدگی مثل دندان عقل نباشید، وقتی تویه جمع جایی ندارید خودتون رو به زور جاکنید، شاید یکی پول دندان پزشی نداشته باشه! (از در ده خود می پیچد)
● وقتی به زحمت سوار مترو می شم و به کسانی که بیرون موندن نگاه می کنم حس مسافرهای نجات یافته تایتانیک رو دارم که دارن به کشتی در حال غرق شدن نگاه می کنن!

● نمی دونم چرا وقتی میری سلمونی جدید، یارو اصرار داره نفر قبلی موهاش رو بد زده! با با تو هم می خوای همون کار رو بکنی، بز برون دیگه چرا بپونه می گیری؟!
● از وقتی که فهمیدم قراره سامانه با رشی جدید وارد بشه همش دارم به این فکر می کنم که حالا چی بپوشم؟!
● چه جوری بدون کثیف کاری خیلی شیک مسواک می زنین؟ من دیگه آخرهای مسواک زدم می تونم با کف خمیر دندان سرم رو هم بشویم!
● آرامش من با میزان دفعاتی که تلفنم زنگ می خوره رابطه عکس داره!
● چرا چیزی رو که می تونی تو گوگل سرچ کنی می پرسی!؟

کمیک روز

کارتون روز

در حاشیه تخریب محیط زیست و حیات وحش



عاقبت غرور بی جا!

فال روز

ای صاحب فال، امروز یکی از همکارانت برایت مشکلی پیش خواهد آورد، پیشدستی کن و همه را از یک کنار بی نصیب نگذار!

شعر روز

شوخی شاعرانگی!
«هر کسی از ظن خود شد یار من»
تا بچاپد اندکی از بار من!
تا به کی دنبال آمار منی؟
هی تجسس در من و در کار من!

«ز دست دیده و دل هر دو فریاد»
که در دهر دو آخر کشت ما را
چنان خرج دوا، دکتر زیاد است
که گویا کرده له با مشت ما را!

«رفتم به در میبکده خواب آلوده»
بی پول ولی از همه جا آسوده
در پیش دو چشم خود ولیکن دیدم
پار کینگ هزار خودروی فرسوده!
بهار نژند



پیامک روز

پیامک ۲۰۰۹۹۹۹۹۹۹
تلگرام ۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶۶

هر چه می خواهد دل تنگت بگو! فقط... نوشتن «دارکوب» ابتدای پیامک فراموش نشود!

● دارکوب یادته از ت پرسیدم سه قلم جنس رو بگو که گرون نشده تا بهت جایزه بدم و تو گفتی بنزین؟ دیدی حالا؟ از پس چشمات شور!
● دارکوب: راست میگین، خوب شد جایزه ندادین، تقصیر منه که سقم سیاهه!
● جوان ها نه تنها توان برگزاری مراسم ازدواج رو ندارند که حتی جرئت ازدواج کردن هم پیدا نمی کنن. یه کاری بکن دارکوب.

● دارکوب: راستش کاری که از من برنماید ولی می تونم تو این صفحه به هر کی جرئت کرد از دواج کرد، تیریک بگم!
● دارکوب عزیز؛ آیا انصاف است گوجه فرنگی را از کشاورزان می خردن و در عوض رب آن را گران به من مصرف کننده می فروشند؟

● دارکوب: انصاف که نیست ولی چه اشکالی داره با همون گوجه های ارزان خودمون رب درست کنیم؟

● دارکوب عزیز؛ چرا قیمت بلیت سینماها این قدر گران است؟

● دارکوب: اولاً که بلیت ها گرون نیستن و شما کم پول دارین! بعدشم حالا سالی یک فیلم خوب میاد تو سینماها، چه اشکالی داره براش هزینه کنین؟! البته اگه قاچاقچیان فیلم اجازه بدن و مجانی منتشرش نکنن!

کارتون زیست محیطی پردانی